

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که چند جلسه اخیر مربوط به اصل سوم بود؛ اصل مرجعیت اطمینان، و ظهور را هم در همین محدوده اطمینان حبس کردیم و عرض شد به صرف ظن نوعی نه عقلا اقدام دارند و نه فقهاء.

نمونه‌هایی از کلمات فقهاء و اصولیین برای این منظور مطرح می شود: اندیشه برخی اصولیین بر جبر ضعف سند و حتی بر ضعف دلالت طبق عمل مشهور... و ضرر زدن اعراض مشهور به حجیت یک روایت در وقت تعارض یا مطلقا... وقتی مشهور از روایتی اعراض می کنند به آن روایت عمل نمی شود. اعراض مشهور دو کار می کند؛

1: روایت را در وقت تعارض از حجیت فعلیه می اندازد و الا در غیر فرض تعارض از حجیت نمی اندازد.

2: به تمامه روایت را از حجیت می اندازد ولو اینکه تعارضی هم نباشد.

چنانکه عمل مشهور، گاه سند می شود و گاه سبب ترجیح روایت در فرض تعارض می شود. بارها شنیده اید که فلان عام آبی از تخصیص است یا فلان مطلق آبی از تقييد است.

توضیح: مثلا 4 نفر رفته اند مکه و بعد رفته اند مدینه برای زیارت ائمه و سوالاتی را از محضر امام می کردند و بر می گشتند به بلادشان... سوال این است: که ما می توانیم این عمومات را به راحتی تخصیص بزنیم به صرف اینکه از امام بعدی است و... برخی گویند آنهایی که دو روز در کنار امام می مانند و می روند عمومات در حق آنها آبی از تخصیص است؛ اما اگر شخص شاگرد امام باشد مثل زراره و... عمومات در حقشان آبی از تخصیص نیست.

نکته: از آقا ضیاء سوال می کنند اجتهاد چیست؟ می فرماید: کندن کوهی با سوزن... شیخ انصاری می فرماید:

اجتهادی که از جهاد طولانی مشکل تر است. استاد علیدوست: لوازم حرف ما چیست؟ من به قدری که وقت اجازه بدهد لوازم را خدمت شما عرض می کنم.

یکی از لوازم: اصول لفظیه (اصل عموم، ظهور، اطلاق و...) چه وجودی و چه عدمی بنا بر مینای ما هیچ کدام اصالت ندارد و نیاز نیست ما به این اصول متعبد بشویم و این اصول طریقت دارد برای رسیدن فهمنده به اطمینان. وقتی اطمینان فهمنده بر خلاف عموم باشد، مثل جایی که انسان به مجاز بیشتر اطمینان کند و... در این صورت اصل عموم و اطلاق و... دیگر به درد نمی خورد چرا که ملاک، اطمینان فهمنده از سخن شرعی است.

سوال: چرا فقهاء این ها را مطرح کرده اند؟

پاسخ: ممکن است کسی بگوید بنا بر آنچه گفته شده ظن نوعی و... این بحث ها جا دارد و اگر بپرسند چرا مطرح شده؟ می گوییم این اصول طریقت نوعی به اطمینان دارند. توضیح: انسان به عموم، اطلاق و... اطمینان پیدا می کند به واسطه همین اصول؛ و این ها راههای خوبی هستند برای حصول اطمینان. طبق حرف ما باید اصالة الاطمینان مطرح شود و اصل عموم، اطلاق و... به عنوان راههای حصول اطمینان بیان شود.

ثمره دوم حرف ما: عرض کردیم که در بین فقهاء اختلاف بود که آیا این اصول لفظیه مستقل هستند یا به هم دیگر رجوع می کنند و... بنا بر گفته ما خیلی ثمره ندارد که بگوییم آیا مستقل هستند یا به هم رجوع می کنند؛ چرا که طبق حرف ما فقط اطمینان مهم است.

استاد علیدوست: اگر از حرف خودمان کوتاه بیایم و در غالب فرمایش اصولیین صحبت کنیم فکر می کنم این اصول، (یرجع بعضها الی بعض) و ریشه و اصل همان ظهور است؛ و این حرف ما مطابق مشهور است؛ شما وقتی اصل عدم قرینه اجرا می

کنید، می گوید ظاهراً همین مرادش بوده است و لذا به ظهور بر می گردانید؛ و لذا اصل عموم، اصل حقیقت، اطلاق و... طریق هستند برای اصل ظهور.

استاد علیدوست: بهتر است به جای اصل ظهور بگوییم مرجعیت ظهور تا اصل ظهور هم عرض اصل اطلاق، حقیقت و... واقع نشود چرا که اصل ظهور ریشه سایر اصول است.

الحمد لله رب العالمین